

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۳، ویژه علوم سیاسی

بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات کشور بحرین

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۹ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۰/۵

الهام زارع مهریزی*

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران، تنها ایران و ساختار سیاسی آن را متحول نکرد بلکه موجب تغییرات شگرفی در منطقه و حتی نظام جهانی گردید. کشورهای زیادی در منطقه از انقلاب ایران تأثیر پذیرفته و موجب بروز کنش‌ها و تحولاتی در میان جوامع و دولت‌های آنان شد. در این میان کشور بحرین نیز یکی از کشورهایی است که پس از وقوع انقلاب در ایران، تحولات انقلاب گونه‌ای را پشت سر گذاشت و در سال‌های اخیر، ما شاهد خیزش و جنبشی جدید در میان مردم این کشور هستیم. در این پژوهش ما به دنبال بررسی بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر کشور بحرین و انقلاب مردم این کشور هستیم.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، انقلاب بحرین، بیداری اسلامی، ایران، بحرین

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم ع

مقدمه

بدون تردید احیای و بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید. اگرچه از یک قرن قبل اندیشمندانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده در جهان اسلام ظهور کردند که ندای بازگشت به اسلام و تقابل با فرهنگ غرب را سر می‌دادند و در این مسیر نهضت‌ها و گروه‌هایی نیز شکل گرفت ولی پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان به اثبات رساند که مسئله بازگشت به اسلام تنها یک خیال و نظر نبوده؛ بلکه می‌تواند واقعیت هم داشته باشد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران بار دیگر آتش زیر خاکستر جنبش‌های سیاسی - اجتماعی اسلامی را در جهان برافروخت. بحرین از جمله کشورهایی است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بارها شاهد خیزش حرکت‌های اسلامی بوده است؛ این جنبش‌ها اگرچه تماماً ماهیت اسلامی نداشته‌اند، اما وجهه و صبغه اسلامی آنها بر سایر ماهیت‌های دموکراتیک و اقتصادی آنها غلبه داشته است. انقلاب اسلامی توانست بار دیگر روحیه قیام و سرکشی را در این حرکت‌ها بدمد و آنها را به مرحله‌ای از انقلابی بودن سوق دهد. هرچند که این جنبش‌ها تاکنون نتوانسته‌اند به اهداف و خواسته‌های خود برسند اما نگرانی و دغدغه‌ای شدید در میان حکام این کشور و هواداران غربی و عربی آن ایجاد کرده است. بنابر این همچنان که مردم کشورهای مسلمان از مردم ایران و انقلاب اسلامی آنها درس و روحیه گرفتند، حکام و سران این کشورها نیز دریافتند که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد و لذا در بسیاری مواقع با آنها برخورد کرده‌اند.

طی سال‌های اخیر مردم بحرین برای جلب حمایت‌های خارجی و به خصوص کشورهای غربی، وجهه دموکراتیک حرکت خود را بارزتر نشان دادند. لذا در سال ۱۹۹۴ طی طوماری با ۲۵۰۰۰ امضاء خواهان احیای قانون اساسی و مجلس ملی، که از سال ۱۹۵۷ ملغی شده بود، شدند. پیش‌رو و منادی این حرکت و اقدامات بعدی که به «انتفاضه» مردم انجامید، اسلام‌گرایان این کشور بودند.

نکته آخر اینکه حرکت اسلامی مردم بحرین را نمی‌توان در یک رتبه و درجه بررسی کرد بلکه دارای یک طیف است: اسلام‌گرایان سنی این کشور نظیر اخوان المسلمین و برخی از علمای دینی سنی ترجیح داده‌اند که ضمن وعظ و نصیحت به حکومت، خود را با سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت هماهنگ کنند با اینکه جانب بی‌طرفی را به خود بگیرند. در مرحله بعد اسلام‌گرایان دموکراتیک این کشور قرار دارند شامل شیعیان و سنیان هر دو است اما وجهه شیعی آن غلبه دارد. نماد این حرکت «حرکه احرار البحرین الاسلامیه» است. این جنبش توسط علماء و شخصیت‌های سیاسی بحرینی الاصل هدایت می‌شود. حرکت اسلامی بحرین در بالاترین سطح خود دارای روحیه انقلابی است که خواهان براندازی نظام حکومتی آن خلیفه و تأسیس یک نظام اسلامی می‌باشد. نماینده این حرکت «الجبهه الاسلامیه لتحریر البحرین» است که توسط برخی از علماء شیعی متأثر از «حزب الدعوه» و انقلاب اسلامی رهبری می‌شود. حرکت‌های دیگری نیز در بحرین وجود دارد که یا به صورت زیر زمینی و سری و یا درخارج از کشور فعالیت می‌کنند.

هدف از انجام این تحقیق بررسی تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر تحولات کشور بحرین است.

جایگاه شیعیان در بحرین

شیعیان بحرین با وجود اینکه اکثریت جمعیت این کشور را شامل می‌شوند، همواره از اینکه شهروند درجه دو محسوب می‌شوند، ناراضی هستند و نارضایتی خود را به گونه‌های مختلف اعلام داشته‌اند. اما تاکنون خاندان حاکم وابسته به اقلیت با اقداماتی سرکوب‌گرانه آنها را توییح، تبعید و زندانی کرده و با هر نوع اصلاحات دمکراتیک که شیعیان خواهان آن هستند به شدت برخورد کرده است. اقدامات تبعیض‌آمیز دولت بیشتر متوجه شیعیان است و آل خلیفه ضمن یک برنامه درازمدت، شیعیان را از مناصب حکومتی و مشاغل مهم دولتی دور نگه داشته‌اند (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۲).

در بحرین همواره نوعی بدبینی و بی‌اعتمادی متقابل میان شیعیان و خانواده آل خلیفه وجود داشته است، با این تفاوت که بدبینی و عدم اعتماد شیعه به هیأت حاکمه، به دلیل سنی بودن خلیفه نیست بلکه به دلیل رفتار سوء مدیریت آنان در طول تاریخ بحرین است، در حالی که بدبینی هیأت حاکمه به شیعیان به دلیل شیعه بودن و پیوند نزدیک آنها با شیعیان ایران است (بحرانی، ۱۳۸۱، ص ۵۵).

شیعیان بعد از انقلاب اسلامی ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و اوج‌گیری مجدد شور و احساسات شیعی و در پی آن تجدید مطلع یافتن دعاوی دیرینه اکثریت شیعه به برخورداری از حق برابر در حاکمیت، مجدداً در سال‌های ۱۹۸۰ - ۱۹۷۹ از سر گرفته شد. اظهارات برخی از مقامات غیر رسمی ایران در زمینه طرح مجدد دعاوی حاکمیت ایران بر بحرین و الحاق آن به ایران به نوبه خود باعث تشدید فشار خاندان آل خلیفه بر شیعیان بحرین گردید. متعاقب حمایت عملی حکومت بحرین از رژیم عراق در جنگ با ایران و تأیید تلویحی اعدام برخی از برجسته‌ترین رهبران شیعیان عراق از

جانب حکومت آل خلیفه برانگیخته بود، از جمله عوامل عمده تشدید دیگر باره منازعات در بحرین به حساب می‌آید. نیروهای دولتی این امیرنشین نیز، بنا بر انگیزه‌های سیاسی و عصبیت‌های مذهبی، هر گونه تظاهرات از ناحیه شیعیان بحرین را سرکوب کرده‌اند. برخوردهای خشونت‌بار نیروهای دولتی بحرین با شیعیان این امارت که به نوعی هم معلول حاکمیت اقلیت به حساب می‌آمده و هم از جمله علل سرکوب تظاهرات شیعیان این امیرنشین در آوریل ۱۹۸۰ بود که در اعتراض به اعدام آیت‌الله سید محمدباقر صدر توسط رژیم عراق بر پا شده بود به اوج خود رسید (محمدی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۸).

حاکمیت و فضای سیاسی بحرین

به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی، انگلیس در سال ۱۹۶۸ اعلام کرد که تا پایان سال ۱۹۷۱ نیروهای خود را از "شرق کانال سوئز" من جمله از خلیج فارس خارج خواهد ساخت این تصمیم در موعد اعلام شده جامه عمل پوشید. در این فاصله بحرین بنا به درخواست انگلیس مذاکراتی به منظور تشکیل "فدراسیون امارت عربی" با قطر و امارات متصالح "امارات متحده عربی کنونی" آغاز کرد (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۵).

بعد از سال ۱۹۶۸ بحرین به طور صوری عضو فدراسیون مزبور به حساب می‌آمد، اما به لحاظ داشتن جمعیت معادل نصف جمعیت فدراسیون مزبور و سطح بالای رفاه اجتماعی و آموزشی که طی بیش از ۴۰ سال بدان دست یافته بود، با امرای شیخ نشین‌های ثروتمند اما عقب مانده حاشیه جنبی خلیج فارس بر سر قانون اساسی فدراسیون و نحوه تخصیص منابع مالی مشترک و نظایر آن به توافق نرسید. سیستم اداره و نوع حکومت بحرین به صورت مطلقه استبدادی و فردی بود و حکومت بحرین از قرن ۱۸ به این سو در اختیار خاندان آل خلیفه بوده است و از آن زمان تاکنون اعقاب او این سرزمین را به طور موروثی در قبضه

خود دارند. اخیراً نیز عنوان امیرنشینی را به پادشاهی تغییر داده و حاکم بحرین نیز خود را پادشاه خوانده است. نمایندگان مجلس مستقیماً و با رأی مخفی مردم و برای مدت ۴ سال (طبق قانون اساسی) انتخاب می‌کردند طبق ماده ۶۵ قانون اساسی بحرین پادشاه می‌تواند مجلس ملی را منحل نماید. در این صورت انتخابات مجلس بعد باید در خلاف مدت یک ماه به عمل آید و مجلس جدید تشکیل گردد. چنان چه در طی یک ماه پس از انحلال مجلس، انتخابات جدید به عمل نیاید، مجلس قبلی می‌تواند مجدداً تشکیل شده و دوره خود را تا پایان ادامه دهد. مجلس ملی در سال ۱۹۷۵ به بهانه اخلاف در امور کشور تعطیل گشت و در سال ۱۹۹۳ به جای آن مجلس شورای مشورتی با ۳۰ نفر عضو تشکیل شده است. این شورا طرح‌ها و لوایح مختلف را به بحث می‌گذارد و به دولت پیشنهاد می‌دهد. اعضای شورا هیچ گونه قدرتی برای وضع قانون ندارند و همه امور بسته به نظر شخص امیر و نخست وزیر بحرین است. فعالیت احزاب و گروه بندی‌های سیاسی در بحرین تا چند سال قبل ممنوع بوده و هیچ گونه فعالیت جزئی مستمر و پیوسته ای در این کشور به چشم نمی‌خورد ولی احزابی بودند که در خارج از کشور و یا به صورت زیر زمینی در بحرین فعال بودند (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۷).

احزاب سیاسی در بحرین

الف. جبهه آزادی بخش اسلامی

اخیراً با آزادی‌های نسبی که داده شده است، احزاب مختلفی در این سرزمین شکل گرفته‌اند. از جمله این احزاب جبهه آزادی بخش اسلامی بحرین می‌باشد که شیعی مذهب بوده و در ۱۹۷۹ به رهبری شیخ عصفور و شیخ عسگری تشکیل گردید. اهداف اصلی این جبهه قطع ایادی بیگانه، اخراج کلیه کارگران و مستشاران خارجی است. در بیانیه ای که در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ از سوی این جبهه منتشر شد، جبهه آزادی بخش اسلامی بحرین با استقلال

بحرین به عنوان یک کشور اسلامی موافقت کرد، ولی حکومت آل خلیفه را به علت داشتن روابط نزدیک با رژیم پهلوی و سپس به دلیل اتخاذ مواضع مخالفت‌آمیز در قبال جمهوری اسلامی ایران و رهبران آن مورد حمله قرار داد. در این بیانیه به تعدادی از اقداماتی که از سوی مقامات بحرینی نسبت به حامیان انقلاب اسلامی صورت گرفته بود اشاره شده بود. به علاوه در این بیانیه مقامات بحرین از این که به آمریکا اجازه استفاده از پایگاه برای فعالیت‌های نظامی آمریکا داده بودند مورد هجوم قرار گرفتند و از کلیه مسلمانان جهان درخواست شده بود که از مسلمانان بحرینی در منازعه علی آمریکا و صهیونیسم حمایت کنند. در ۱۳ دسامبر ۱۹۸۱ کودتایی که از سوی اعضای این جبهه علی رژیم بحرین برنامه‌ریزی شده بود خنثی و تعدادی از افراد آن دستگیر و تعدادی نیز تبعید شدند. در ناآرامی‌های که از دسامبر ۱۹۹۴ آغاز شد، این جبهه با انجام مصاحبه‌ها و صدور بیانیه‌هایی بر خواسته‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم تأکید کرده است. دبیر کل این جبهه شیخ عمد علی محفوظ است که به استمرار قیام مردم تا موافقت دولت به برگزاری انتخابات پارلمانی در کشور و تحقق دموکراسی به معنای پایان حکومت آل خلیفه نیست. این جبهه، از جمله گروه‌های طرفدار ایران است که در بحرین همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرده‌اند. اینان خود را پیرو امام خمینی علیه السلام می‌دانند. در سال ۱۳۶۱، بسیاری از اعضای آن به اتهام قصد کودتا دستگیر و زندانی شدند، ولی به تازگی فعالیت‌های خود را از سر گرفته‌اند. در ماه اوت ۱۹۷۹ «هادی مدرسی» از طرف امام علیه السلام به عنوان نماینده شخصی او در بحرین منصوب شد. در بحرین سخنرانی مدرسی به دو تظاهرات علنی منجر شد؛ یکی از آنها با اجازه مقامات، روز ۱۷ اوت مصادف با روزی که امام علیه السلام آن را روز قدس نامیده بود، برگزار شد. تظاهرات دوم روز ۱۹ اوت به دنبال بازداشت او سبب شد که حدود ۵۰۰ نفر تظاهرات کرده و خواستار آزادی او شوند که ۲۸ تن از آنان بازداشت شدند. آنگاه مقامات بحرینی روز ۳۱ اوت مدرسی را اخراج کردند

اگر چه این اقدامات سبب آرامش نسبی اوضاع گردید. با این حال موج تظاهرات و ناآرامی‌ها شکل و محتوای خود را مرهون ابتکار و برنامه‌ریزی ایران بود؛ بدین سان اعلامیه‌ها یا افرادی که الهام بخش این تظاهرات بودند، ضرورتاً بر شکایات و نارضایتی‌های شیعیان متمرکز نکرده بلکه بیشتر بازتاب خواسته‌های سیاسی ایران بود. مع‌هذا انقلاب اسلامی، تظاهرات ۱۹ اوت ۱۹۷۹ در بحرین نمودار چیزی بیش از یک پاسخ ساده به تحریکات خارجی بود. روز ۳۱ دسامبر ۱۹۸۱ نیز، حرکت‌های مشابهی دیده شد که مقامات بحرین اعلام کردند توطئه‌ای را که علیه رژیم حاکم پی‌ریزی شده بود، سرکوب و ده‌ها تن را که در این توطئه مشارکت داشته‌اند بازداشت کرده‌اند. آنها این توطئه را متوجه «جبهه آزادی بخش اسلامی بحرین» به رهبری مدرسی نمودند که در آن هنگام پخش رادیویی امور خلیج شبکه رادیویی ایران را رسماً اداره می‌کرد (دکمجیان، ۱۳۸۸، ص ۲۸۷).

ب. جبهه آزادی بخش ملی بحرین

در اوایل دهه ۶۰ میلادی جهت‌گیری‌های سیاسی مردم بحرین دستخوش دگرگونی‌هایی شد و نفوذ اندیشه‌های ناصریسم و بعثی، رفته رفته در جنبش‌های سیاسی بحرینی‌ها خودنمایی کرد. بدین ترتیب تلاش‌های یک عنصر کمونیستی منجر به تشکیل جبهه آزادی بخش ملی بحرین گردید. شوروی سابق این جبهه را به رسمیت شناخت. اکنون مقر آن در دمشق است و از قدرت سیاسی چندانی برخوردار نیست (همان، ص ۲۸۸).

بحرین و ایران قبل از انقلاب

در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۷) با مطرح شدن تصمیم انگلیس به خروج از خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۷۱ (اواخر ۱۳۵۰)، ایران ابتدا با استناد به دو قرن حاکمیت بلانقطاع و بلامنازعش بر

بحرین طی قرون ۱۷ و ۱۸ و نیز استشهاد به برخی اسناد و مذاک تاریخی، مصرانه در پی اعاده حاکمیت بر این سرزمین بر آمد و حتی زمانی آن را استان چهاردهم خود نیز به حساب می آورد؛ اما در ۲۹ مارس ۱۹۷۰ به طرزی غیر مترقبه و در واقع در هماهنگی با سیاست‌های انگلیس و آمریکا در منطقه از این ادعای دیرینه انصراف داد و طی توافقی که با انگلیس به عمل آمد، ایران پذیرفت که در ازای اعاده حاکمیتش بر سه جزیره ایرانی تنگه هرمز (یعنی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) داوری در مورد مسأله بحرین را به سازمان ملل متحد و شخص دبیرکل این سازمان ارجاع کند و عملاً بر استقلال بحرین گردن نهد. پس از قبول استقلال بحرین از سوی ایران، فصل جدیدی در روابط فیما بین گشوده شد. در همان زمان (۱۳۴۹ شمسی) یک هیأت حسن نیت از جانب ایران، رهسپار بحرین شد، پس از بازگشت این هیأت روابط ایران و بحرین به سرعت گسترش یافت. شیخ بن سلمان برادر امیر بحرین و رئیس شورای دولتی (نخست وزیر بحرین) بنا به دعوت وزیر خارجه ایران در تاریخ ۴۹/۵/۲۳ به تهران سفر کرد. یکی از اهداف این سفر فراهم نمودن مقدمات سفر امیر بحرین بود. متعاقباً امیر بحرین در تاریخ ۴۹/۸/۲۸ رسماً از تهران دیدن کرد. از هنگام سفر هیأت حسن نیت ایران و بحرین (۱۳۴۹) گام‌های مؤثری در جهت گسترش و تحکیم مناسبات بین دو کشور برداشته شد. می توان مهم‌ترین اقدامات را به شرح زیر نام برد: در خلال این مدت روابط دو کشور بسیار نزدیک و دوستانه شد. در پرتو شرایط جدیدی که در پی توافقاتی ۱۹۷۵ بین ایران و عراق و نیز نزدیکی تهران و ریاض در منطقه خلیج فارس پدید آمد، تفاهم عمومی برای حفظ امنیت و ثبات در سراسر منطقه را بیشتر ساخت و هم‌زمان با آن با شکست شورش ظلفار، موقعیت گروه‌های چپ‌گرا و رادیکال به نابودی نزدیک شده و تحرکات و تلاش‌های عوامل کمونیست نیز به شدت محدود گشت. وقوع انقلاب اسلامی در ۱۹۷۵ و جنگ ایران و عراق و سپس بحران جنگ عراق با نیروهای متحدین در قضیه اشغال کویت که همگی از مهم‌ترین

حوادث تعیین کننده در منطقه ژئوپلتیک خلیج فارس به حساب می‌آیند، جغرافیایی سیاسی بحرین را تغییر و با تحول عمده ای مواجه ساخت (محمدی، ۱۳۸۶، ص ۵).

بحرین بعد از انقلاب اسلامی ایران

می‌توان ادعا کرد که بازتاب انقلاب اسلامی، سبب شده که جایگاه شیعیان بحرین را از حاشیه حکومت به مرکز ثقل تحولات سیاسی این کشور اسلامی منتقل کند. شیعیانی که در طول چند دهه اخیر همواره در حاشیه و آماج حملات شدید تبلیغاتی به‌ویژه توسط حکام سنی آل خلیفه بودند، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران جانی دوباره گرفتند و در صف اول مبارزه با حکومت ایستادند؛ به گونه‌ای که پادشاه بحرین موقعیت خود را به شدت متزلزل دید و بر فشار دولت علیه شیعیان افزود و محیطی خفقان‌آور از گذشته به وجود آورد. اخیراً پادشاه جدید بحرین با درک قابل دوام نبودن شرایط خفقان‌آور و انفجارآمیز گذشته، آزادی‌های نسبی برقرار کرده و نقش بیشتری در ساختار سیاسی دولت به شیعیان داده است (همان، ص ۷).

بیگانگی جامعه شیعه (با حکومت) بیشتر به علت اصلیت ایرانی بعضی اعضای آن، تقویت می‌شود زیرا که در میان شیعیان بحرین همیشه احساساتی به طرفداری از ایران وجود داشته است؛ به علاوه دعاوی طولانی ایران نسبت به جزیره بر شکاف میان سنی و شیعه افزوده است. با یک چنین سابقه‌ای بنیادگرایی شیعه به دنبال انقلاب ایران به عنوان یک جنبش نیرومند در صحنه ظاهر شد. تا قبل از قیام امام خمینی علیه السلام، شیعیان بحرین فاقد سابقه مقاومت ستیزجویانه در برابر حکومت زورگوی سنی بودند. آنان در بسیاری موارد احساس می‌کردند که در حاشیه قراردارند، لیکن هیچ‌گاه شکایات و نارضایتی‌های خود را به صورت قیام و طغیان بروز نداده و نیز نکوشیده بودند که از طریق کودتا دولتی را سرنگون کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم بحرین با حمل پلاکارد، تظاهرات عظیمی به حمایت و همبستگی با ایران بر پا کردند؛ همبستگی و اتحاد مردم مسلمان بحرین با مردم مسلمان و انقلابی ایران به حدی بود که «سازمان آزادی بخش بحرین» به عنوان نماینده همین مردم قبل از پیروزی با رهبران انقلابی ایران ارتباط داشته و همکاری می کرد. مسلمانان بحرین با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی و نیز حمایت انقلابیون ایرانی حرکات چندی بر علیه حکام خود انجام دادند. ایران مبارزه تبلیغاتی شدیدی در جهت صدور انقلاب در حوزه خلیج فارس به راه انداخت و از طریق انتشار جزوه‌ها و پیام‌های رادیویی «صدای انقلاب اسلامی» به زبان عربی و نوارها و سخنرانی‌ها و توده‌های مسلمان عموماً و شیعیان را خصوصاً تحت تأثیر قرار می داد. در روز ۲۴ آوریل ۱۹۸۰ و به دنبال بازداشت و اعدام «آیت الله سید محمد باقر صدر» رهبر مذهبی شیعیان عراق، شیعیان در «منامه» پایتخت بحرین دست به تظاهرات زدند که حکومت بحرین توجه بی سابقه‌ای به تدوین فرمول سیاسی در قبال سکنه شیعه خود مبذول داشت؛ این هم بر تشویق مبتنی بود و هم بر تنبیه. اعضای طراز اول خاندان سلطنتی از این منطقه دیدار می کردند تا با بزرگان و مشاهیر شیعه ملاقات کنند. در عین حال شیوه‌های توسل به زور نیز از نظر مقامات برای سرکوب کردن شورش‌های شیعه دور نگه داشته نشد؛ اخراج افرادی نظیر «مدرسی» شیعیان انقلابی را از وجود رهبرشان محروم ساخت و همین امر به احتمال قوی ضربه‌ای جدی بر قیام‌های مردمی وارد آورد. از این گذشته شورش‌ها، بی‌رحمانه سرکوب شده و بازداشت‌هایی صورت می گرفت که غالباً با شکنجه همراه بود. رهبران «جبهه آزادی بخش اسلامی بحرین» به این نتیجه رسیدند که تظاهرات مردمی هرگز به سرنگونی رژیم منجر نمی شود؛ بنابراین به روش‌های ستیزه جویانه متوسل شدند. گروه‌های اپوزیسیون رادیکال شیعه در این کشور که از پشتیبانی مردمی و رهبری پویا و اصیل محروم بودند، تماماً به حمایت خارجی متکی ماند و ایران مطابق با ضروریات استراتژی منطقه‌ای

خود از آنها حمایت می‌کرد. علاوه بر آن، به نظر قدرتمندان شورای همکاری خلیج فارس، جنبش مردمی بحرین، جنبش شیعی است و به همین لحاظ می‌بایست با آن به مقابله برخاست و از سوی دیگر، نیروهای دولتی این پادشاهی نیز، بنا بر انگیزه‌های سیاسی و عصبیت‌های مذهبی، هرگونه تظاهرات از ناحیه شیعیان بحرین را سرکوب کرده‌اند (همان، ص ۱۰).

امیر بحرین حرکت‌های اصلاح‌گرایانه‌ای در چند سال اخیر صورت داد؛ نمایندگان شیعه در مجلس ملی این کشور فراهم گردید؛ زندانیان سیاسی به طور عموم آزاد گردیده و تبعیدیان به کشور بازگشتند تبلور این تحولات رفرمیستی را می‌توان در تظاهرات ضد آمریکایی بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به افغانستان و عراق مشاهده کرد. با پیروزی اسلام‌گرایان (شیعیان) بحرین در انتخابات ۲۰۱۰ این کشور بار دیگر احتمال تسلط احزاب اسلام‌گرا بر نظام‌های حاکم بر این کشور تقویت شد و به این ترتیب باید شاهد تحولات جدید سیاسی یا اصلاحات ریشه‌ای در بحرین و دیگر نظام‌های عربی باشیم و این همگی از اعتماد به نفسی است که انقلاب اسلامی به آنها داده است. پیروزی حزب‌الله در برابر اسرائیل نیز در جریان جنگ‌های ۳۳ روزه و قدرت گرفتن شیعیان در عراق، آن هم با انجام انتخابات دموکراتیک سبب شده بود که جریان‌های شیعی به شکل پویا فعال شوند که در این میان جریان‌های شیعی بحرینی در صدر قرار دارند. تحلیل‌گران سیاسی در بحرین معتقدند دولت‌مردان این کشور در سالیان گذشته حقوق شیعیان این کشور را تضییع کرده‌اند و اکنون شیعیان این کشور به دنبال حقوق از دست رفته خود هستند. پایگاه خبری البوابه که یک پایگاه عربی مستقل خبری است، با اشاره به درگیری‌های بحرین نوشت: به علت برخی اقدامات تفرقه‌افکنانه دولت بحرین، شیعیان این کشور به خشم آمده‌اند و احقاق حقوق از دست رفته خود را خواستارند. این پایگاه خبری افزود: بسیاری از آگاهان مسائل سیاسی و ناظران اوضاع فعلی بحرین پیش‌بینی می‌کنند در صورتی که دولت بحرین نخواهد در خط مشی

سیاسی خود، اصلاحات اعمال کنند، این درگیری‌ها به مراتب افزایش خواهد یافت. منصور الجمری، سردبیر روزنامه بحرینی الوسط هم اعلام کرد: «بی‌توجهی دولت بحرین به خواسته‌های بخشی از جامعه بحرینی که شیعیان آن را تشکیل می‌دهند، عامل اصلی ادامه بحران در این کشور است، و همین امر باعث می‌شود این قشر از جامعه در پی بی‌توجهی مقامات بحرین به خواسته‌های شیعیان، خود اقدام به جست‌وجوی حق کنند.» الجمری در ادامه گفت: دولت بحرین حتی زمانی که انتخابات پارلمانی در این کشور برگزار می‌شود، به هر نحو ممکن سعی می‌کند، بخشی از نامزدهای شیعی انتخابات را رد صلاحیت کند. وی در ادامه گفت: با توجه به اینکه روند اوضاع سیاسی در بحرین غیرشفاف است، ما باید هر لحظه انتظار وقوع یک رخداد مهم در بحرین را داشته باشیم.

تأثیر پذیری بیداری اسلامی در بحرین از انقلاب اسلامی

یکی از مسائل مهمی که این تحقیق بر اساس آن شکل گرفت مشاهده تشابهات زیاد میان حرکت انقلاب مردم بحرین با انقلاب مردم ایران است؛ شعارها و نمادها، پایگاه‌های انقلاب، رهبری، نقش بانوان مسلمان و فرهنگ شهادت از جمله وجوه مشترک میان انقلاب دو ملت ایران و بحرین است.

۱. شعارها و نمادها

با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی ایران مشاهده می‌شد که آنچه در شعارها به کارگرفته شده در جریان انقلاب اسلامی ایران بیش از پیش به چشم می‌خورد تکیه بر ارزش‌های اسلامی مانند توکل بر خدا و ظلم ستیزی است. در این مورد مطالعه شعارهای به کارگرفته شده توسط ملت بحرین، شباهت‌های زیادی را با شعارهای مطرح شده در انقلاب اسلامی

ایران نشان می‌دهد. شعار «منصورین والناصرالله» شعار جدیدی است که در این انقلاب از سوی مردم سرداده شده است. و همچنین شعار «هیئات من الذله»، «لیک یا اسلام» و «إن نرکع إلا لله» و شعارهایی از این دست، که از ارتباط گسترده انقلاب بحرین با ارزش‌های اسلامی حکایت می‌کند (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲).

۲. پایگاه اصلی قیام

ماهیت کانون‌های شکل‌گیری و تداوم هر حرکت به نوعی نشان دهنده ماهیت و خاستگاه آن حرکت به شمار می‌رود. بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران بارها بر نقش مساجد و مراسمات مذهبی در ایجاد، حفظ و تداوم اسلام و انقلاب تأکید کرده‌اند (همان). حامد الگار در مورد نقش مسجد در روند انقلاب اسلامی ایران می‌گوید:

مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکرد آن بود. نقش مسجد، دیگر به عزلت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند بلکه برعکس، مسجد به عنوان یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید. به طور خلاصه مسجد تماماً آن چیزی شد که در زمان پیامبر بود (شریف‌پور، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

در مورد انقلاب ۱۴ فوریه بحرین نیز پایگاه‌های اصلی قیام قابل بررسی است. نماز جمعه به عنوان اصلی‌ترین پایگاه انقلاب بحرین به شمار می‌آید: هر جمعه مردم بحرین با تجمع در اماکن برگزاری نماز جمعه به خصوص مسجد امام صادق علیه السلام در منطقه «الدراز» و امام صادق علیه السلام در منطقه «القفل» از آخرین تصمیمات و راهبردهای اتخاذ شده توسط رهبران انقلاب به ویژه آیت الله شیخ عیسی قاسم مطلع می‌شوند (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲).

خبرگزاری رویانوستی از انقلاب بحرین با عبارت «مظلوم‌ترین انقلاب کشورهای عربی» یاد می‌کند و از تخریب بیش از ۵۰ مسجد و عبادت‌گاه توسط حکومت آل خلیفه خبر داده و می‌نویسد: «انتشار تصاویر تخریب این اماکن دینی، هر بار روح تازه‌ای به مخالفان آل خلیفه می‌داد و آنها روحیه‌ای مضاعف می‌گرفتند تا در مسیر سقوط آل خلیفه استوار باشند» (www.iribnews.ir).

اصرار رژیم بر تخریب مساجد، بهترین شاهد برای اثبات تأثیرگذاری مساجد در سازمان‌دهی انقلاب مردمی بحرین به شمار می‌آید.

۳. رهبری قیام

رهبری در هر حرکت اجتماعی و سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی به شمار می‌آید که می‌توان با بررسی آن تا حدود زیادی به سمت و سوی حرکت مورد نظر پی برد. به همین جهت دلیل شخصیت رهبری یا رهبران در هر حرکت اجتماعی و سیاسی، خبر از جهت‌گیری و ماهیت آن حرکت دارد.

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر حرکت‌های عصر حاضر رهبری توسط روحانیت شیعه بود، مردم ایران در سال‌های منتهی به انقلاب و بعد از آن با حرکت در مسیر ترسیم شده توسط امام خمینی علیه السلام بود که توانستند بر مشکلات غلبه کرده و امروزه ایران را به عنوان ابرقدرت برتر منطقه‌ای تبدیل کنند. بحرین تنها کشور دست‌خوش تحولات است که انقلاب آن از رهبری منسجمی برخوردار است: در میان شخصیت‌های موجود در کشور بحرین کسی که بیشترین تأثیرگذاری را بر انقلاب دارد، آیت الله «عیسی احمد قاسم الدرازی البحرانی» است. حمایت ایشان از حرکت‌های اجتماعی در بحرین نقش تعیین‌کننده‌ای در حضور مردم و شکل‌گیری تحولات دارد (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳).

۴. زن مسلمان و انقلاب بحرین

جایگاه زنان همواره به عنوان تربیت کنندگان نسل‌ها و پشتیبانان اصلی حرکت‌های اجتماعی در آموزه‌های دینی و اسلامی مورد تأکید قرار داشته است. امام خمینی علیه السلام در مورد جایگاه زنان در جامعه می‌فرمایند:

در بسیاری از موارد نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۱۹۷).

بانوان بحرینی نیز با توجه به فرهنگ مشترک دو ملت در جریان انقلاب اخیر نقشی مشابه بانوان ایرانی را برعهده داشته و با حضور فعال، تأثیرگذاری خود را بر تحولات اخیر ثابت کرده‌اند (نجفی و بلندیان، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴).

۵. فرهنگ شهادت

بذل جان و چشم‌پوشی بر تمام لذایذ دنیوی در راه رضای خداوند در فرهنگ اسلامی و به خصوص فرهنگ شیعی، از جایگاه والایی برخوردار است. شهادت در فرهنگ شیعیان بالاترین مقامی است که یک انسان می‌تواند به آن دست یابد. الگوگیری از قیام عاشورای امام حسین علیه السلام در مبارزه با طواغیت از چشمه‌های تغذیه کننده قیام‌های شیعیان در طول تاریخ به شمار می‌آمده است.

انقلاب اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین انقلاب شیعی عصر حاضر نیز با تکیه بر این فرهنگ شگفتی‌های بزرگی را رقم زد.

این مسئله در قیام اخیر مردم بحرین نیز نقشی محوری را برعهده داشته و باعث اوج‌گیری قیام شده است. شیخ عیسی قاسم نیز در جایگاه یک عالم دینی و رهبر مردم بحرین،

بارها بر اهمیت شهادت و خون شهید در جریان انقلاب تأکید کرده است (همان، ص ۲۰۲-۲۰۵).

نتیجه گیری

وقوع انقلاب اسلامی ایران به سایر ملت‌های مسلمان نشان داد که می‌توان با تکیه بر آموزه‌های دینی و رهبری منسجم و با توسل بر توان بومی خویش دست به دستاورد بزرگی همچون انقلاب اسلامی دست یازند.

پس از انقلاب ایران بسیاری از ملت‌های مسلمان با الگوگیری از این انقلاب متناسب با شرایط جوامع خود نسبت به بهره‌گیری از مؤلفه‌های به کارگرفته شده در آن پرداختند. رهبری قیام‌ها توسط علمای دینی و نقش تعیین کننده نهادهای مذهبی در جامعه از جمله مسائلی است که تا پیش از انقلاب ایران از جایگاه پررنگی در جوامع اسلامی برخوردار نبود. لکن پس از موفقیت رهبری امام خمینی علیه السلام در ایران بود که رهبری دینی بار دیگر جایگاه خود را در جوامع اسلامی بازیافت. جوامع مختلفی همچون ملت بحرین با توجه به پیشینه خویش و تشابهاتی که با مردم ایران قبل از انقلاب داشتند با بهره‌گیری از نمادها و شعارها و همچنین در سایه رهبری دینی به مقابله با حکام جائر پرداختند و ندای انقلاب را سر دادند.

هرچند مردم بحرین پس از گذشت بیش از سه سال از شروع انقلاب هنوز به پیروزی نرسیده‌اند، اما امید است آن‌چنان که مردم ایران با پایمردی و تمسک به آموزه‌های دینی و رهبری شیعه و بذل جان‌های بسیار، توانستند به پیروزی برسند مردم بحرین نیز طعم خوش پیروزی را حس کنند.

فهرست منابع

کتاب

۱. امام خمینی (۱۳۷۹)، صحیفه امام، ۲۲جلدی، تهران: مؤسسه نشر آثار امام.
۲. بحرانی، مرتضی (۱۳۸۱)، جنبش‌های سیاسی اجتماعی بحرین و تأثیر انقلاب اسلامی بر آنها، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳. دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل (۱۳۸۸)، کتاب سبز بحرین، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. دکمچیان، هراید (۱۳۸۸)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، تهران: انتشارات کیهان.
۵. محمدی، منوچهر (بی‌تا)، بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر بحرین، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مقالات

۶. احمدی، حسن (۱۳۹۰)، «بازتاب انقلاب اسلامی ایران در بحرین»، همشهری آنلاین.
۷. طاهری، سید مهدی (بی‌تا)، انقلاب بیدار ساز / نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام.
۸. عبادی نیک، فاطمه (بی‌تا)، نگاهی به وضعیت شیعیان در بحرین، اقتباس از:
<http://intjz.net/maqalat/sh-bahrein.htm>
۹. نجفی، محمدصادق و غلامحسین بلندیان (۱۳۹۲)، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شکل‌گیری بیداری اسلامی در کشور بحرین»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۳۳.